

پاسخ‌ها را باد می‌برد

گفتارهایی دربارهٔ مبانی نظری فلسفه با کودکان (فباک)

---

سرشناسه: خسرو نژاد، مرتضی، ۱۳۳۳؛ آتشی، لاله، ۱۳۶۲-، دبیر  
عنوان و نام پدیدآور: پاسخ‌ها را باد می‌برد: گفتارهایی درباره مبانی نظری فلسفه با  
کودکان (فباک) // دبیران: مرتضی خسرو نژاد، لاله آتشی؛  
ترجمه لاله آتشی، امین ایزدپناه، سودابه شکراله‌زاده، عطیه فیروزمند  
مشخصات نشر: تهران: نشر کرگدن، ۱۴۰۳  
مشخصات ظاهری: ۲۶۸ص  
شابک: 978-622-7765-51-9  
موضوع: کودکان و فلسفه -- مقاله‌ها و خطابه‌ها  
رده‌بندی کنگره: B۱۰۵  
رده‌بندی دیویی: ۱۰۸/۳  
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۹۰۹۷۸۹۵

---

# پاسخ‌ها را باد می‌برد

گفتارهایی دربارهٔ مبانی نظری فلسفه با کودکان (فباک)

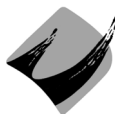
دبیران

مرتضی خسرونژاد، لاله آتشی

مترجمان

لاله آتشی، امین ایزدپناه

سودابه شکرالله‌زاده، عطیه فیروزمند



نشرکردن

همه حقوق برای نشر کرگدن محفوظ است.

[www.kargadanpub.com](http://www.kargadanpub.com)

[telegram.me/kargadanpub](https://t.me/kargadanpub)

[instagram.com/kargadan.pub](https://www.instagram.com/kargadan.pub)



مجموعه فلسفه برای کودکان - ۹

پاسخ‌ها را باد می‌برد؛ گفتارهایی درباره مبانی نظری فلسفه با کودکان (فباک)

دبیران: مرتضی خسرونژاد، لاله آتشی

مترجمان: لاله آتشی، امین ایزدپناه، سودابه شکرالله‌زاده، عطیه فیروزمند

مدیر هنری: سحر ترهنده

ناظر چاپ: علی محمدپور

لیتوگرافی: نقش سبز

چاپ و صحافی: زعفران

شابک: ۹-۵۱-۷۷۶۵-۷۷۶۵-۶۲۲-۹۷۸

چاپ اول: ۱۴۰۳

تیراژ: ۷۰۰ نسخه

به پیشگاه کودکان و نوجوانان ایران  
و تسهیگران، آموزگاران، مربیان، مادران و پدرانی که همسفر آنان در خردورزی  
و مهرورزی اند

دبیران و مترجمان مجموعه



## یادداشت ناشر

امروزه در بسیاری از برنامه‌های نوین آموزش عمومی جایگاهی ویژه به فلسفه‌ورزی اختصاص یافته است. اختصاص چنین جایگاهی به دو دلیل است؛ یکی به دلیل توان فلسفه و حوزه‌های همسایه آن، مانند تفکر نقادانه، در پرورش مهارت‌های فکروورزی. برخورداری از مهارت‌هایی مانند روشن‌اندیشی، ژرف‌نگری، استدلال‌آوری، تفکر تحلیلی و ... که همگی از راه‌آشنایی با بحث‌های فلسفی می‌توانند تقویت شوند در حکم پیش‌شرط‌هایی‌اند که هر نوع آموزش دیگری نیازمند آنها است. از سوی دیگر، فلسفه به پرسش‌هایی بنیادین درباره معنا و شرایط زیست ما در جهان می‌پردازد، پرسش‌هایی که از دغدغه‌های دیرین بشرند و احتمالاً در رشته‌های دیگر جوابی درخور نمی‌یابند. چنین است که اکنون وظیفه‌ای «اجتماعی» بر دوش فلسفه نهاده شده است: مشارکت در پرورش نسلی ژرف‌اندیش‌تر و اخلاقی‌تر. البته باید به یاد داشت که فیلسوفان از ابتدا و به سبب حضور شخصیت‌هایی همچون سقراط همواره دغدغه گفت‌وگوی عقلانی با توده‌های مردم و کمک به آنان برای ژرف‌اندیشی را داشته‌اند.

نیاز به تقویت مهارت‌های فکروورزی و همچنین درگیر شدن عمومی در بحث‌های فلسفی در دهه‌های پایانی قرن بیستم و دهه‌های آغازین قرن بیست‌ویکم به دلایل متعدد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شدت بیشتری یافته است. اکنون در عصر رسانه‌های فراگیر همگانی، فضای مجازی، روندهای جهانی‌سازی، نزاع‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، در خطر افتادن فرهنگ‌های محلی، بحران‌های همه‌گستر زیست‌محیطی، انواع تبلیغات تجاری و سیاسی، بحران‌های اخلاقی و ... نیاز

به شهروندانی که بتوانند نقادانه و ژرف بیندیشند و سویه‌های عمیق‌تر پدیده‌ها را تشخیص دهند بیش از هر زمانی محسوس است. به همین دلیل، در برنامه‌هایی گوناگون با نام‌هایی مختلف، شاید از همه شناخته‌شده‌تر در برنامه «فلسفه برای کودکان»، تلاش بر آن است تا پیشنهادهایی عملی و قابل اجرا برای آشنا شدن نسل آینده با تفکر نقادانه و مهارت‌های فکروزی ارائه شود.

در ایران سال‌ها است برنامه‌هایی مختلف با هدف دور شدن از نظام صلب آموزش رایج و بها دادن به خلاقیت، تفکر نقادانه و ژرف‌اندیشی رایج است. برنامه «فلسفه برای کودکان» یکی از این برنامه‌ها است. اجرای چنین برنامه‌ای با تمام دستاوردهایی که داشته به دور از ضعف‌های خاص خود نبوده است. یکی از این موارد کم بودن منابع مناسب برای تسهیلگران و کودکان است. دیگری پافشاری برخی از فعالان این حوزه بر استفاده صرف از داستان‌ها و فعالیت‌هایی است که بنیانگذاران این برنامه در بافت فرهنگی خود عرضه کرده‌اند، امری که شاید به بی‌علاقگی مخاطبان ایرانی بینجامد. و سرانجام خطر تجاری و بازاری شدن چنین برنامه‌ای است.

در مجموعه «فلسفه برای کودکان» تلاش بر آن است تا در قالب درکی حتی‌المقدور گسترده از مفهوم فلسفه‌ورزی کودکان متونی قابل استفاده، اعم از ترجمه و تألیف، برای تسهیلگران و کودکان فراهم آید، با این امید که نسل فردا ژرف‌اندیش‌تر از نسل امروز باشد.



## فهرست

- ۱ - - - - - دربارهٔ نویسندگان
- ۳ - - - - - دربارهٔ مترجمان
- ۵ - - - - - سپاسگزاری
- ۷ - - - - - پاسخ‌ها را باد می‌برد / مرتضی خسرونیژاد
- ۱ - فلسفه برای کودکان به‌عنوان وزش اندیشه / نانسی فانسلیخیم /
- ۳۵ - - - - - ترجمهٔ امین ایزدپناه
- ۲ - فلسفه «برای» کودکان و فلسفه «با» کودکان پس از متیو لیپمن /
- ۵۹ - - - - - نانسی فانسلیخیم و دیوید کندی / ترجمهٔ سودابه شکراله زاده
- ۳ - فلسفه، در معرض بودگی و کودکان: چگونه در برابر ابزار شدن فلسفه
- ۷۷ - - - - - در تعلیم و تربیت ایستادگی کنیم / گرت بییستا / ترجمهٔ امین ایزدپناه
- ۴ - برخی ملاحظات زیست‌نامه‌ای و پرسش‌هایی فلسفی در قلمرو فلسفه برای کودکان /
- ۹۹ - - - - - والتر عمر کوهان / ترجمهٔ لاله آتشی
- ۵ - تأملی بر مفهوم کودکی در جشن سی سالگی فلسفه برای کودکان /
- ۱۱۱ - - - - - والتر عمر کوهان / ترجمهٔ لاله آتشی
- ۶ - سیاست شکل‌دهی: نقدی بر فلسفه برای کودکان / والتر عمر کوهان /
- ۱۲۵ - - - - - ترجمهٔ لاله آتشی

۷. برابر و توانمند در سخن گفتن: کندوکاو فلسفی با کودکان خردسال /  
 ۱۴۵ جوئنا هینز / ترجمه سودابه شکراله زاده - - - - -
۸. کودک از دید پسانسان‌گرایی / کارین موریس / ترجمه عطیه فیروزمند - - - - -  
 ۱۶۹
۹. کنارگذاشتن سن از بازی: فلسفه‌ورزی جان‌دارانگارانۀ کودکان از راه کتاب تصویری /  
 ۱۸۹ جوئنا هینز و کارین موریس / ترجمه عطیه فیروزمند - - - - -
۱۰. در جست‌وجوی گنج: آیا حلقه کندوکاو فلسفی روش است؟ /  
 ۲۱۵ والتر عمر کوهان، مگدا کاستا کاروالو / ترجمه لاله آتشی - - - - -
- ۲۴۱ واژه‌نامه فارسی به انگلیسی - - - - -
- ۲۴۵ واژه‌نامه انگلیسی به فارسی - - - - -
- ۲۴۹ لاتین نوشت نام‌های خاص - - - - -

## درباره نویسندگان

### گرت بیستا

استاد نظریه تربیتی دانشگاه ادینبورگ انگلستان است و در سردبیری مجله پژوهش‌های تربیتی بریتانیا، مجله تربیت معلم آسیا-اقیانوسیه و مجله نظریه تربیتی مشارکت دارد. او مؤلف کتاب‌ها و مقاله‌های پرشماری در زمینه نظر و عمل تربیتی است.

### نانسی فانسلیخیم

مدرس آموزش هنر در مدرسه هنر لوکا در بلژیک است. تحقیق‌های او عمدتاً بر فلسفه تعلیم و تربیت و آموزش هنر متمرکز است.

### دیوید کندی

استاد مبانی تعلیم و تربیت در دانشگاه مونته‌کلیو آمریکا است. در سردبیری مجله کودکی و فلسفه به‌همراهی والتر عمر کوهان مشارکت دارد و تاکنون کتاب‌ها و مقاله‌های متعددی از او در زمینه فلسفه برای کودکان و فلسفه کودکی منتشر شده است.

### والتر عمر کوهان

استاد بخش مطالعات کودکی در دانشگاه ریودوژانیرو در برزیل است و در سردبیری مجلهٔ کودکی و فلسفه به‌همراهی دیوید کندی مشارکت دارد. او همچنین پژوهشگر ارشد در شورای توسعهٔ فنی و علمی برزیل است. آثار او هم به زبان برزیلی و هم انگلیسی در دسترس است.

### کارین موریس

استاد بازنشستهٔ تعلیم و تربیت در دانشگاه کیپ تاون افریقای جنوبی و استاد آموزش پیش‌دبستان در دانشگاه یولوی فنلاند است. بیش از ۶۰ مقاله و کتاب حاصل زندگی علمی او است. او در آثار خود عمدتاً بر تلفیق فلسفه با کودکان، کتاب‌های تصویری و پسانسان‌گرایی متمرکز است.

### جوئنا هینز

دانشیار مطالعات تربیتی در دانشگاه پلیماوت انگلستان است. کار خود را در زمینهٔ کار فلسفی با کودکان از سال ۱۹۹۴ آغاز کرده است. برخی آثار او در همکاری با کارین موریس نوشته شده است.

## درباره مترجمان

لاله آتشی

دکترای زبان و ادبیات انگلیسی، عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز

امین ایزدپناه

دکترای فلسفه تعلیم و تربیت، عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز

سودابه شکراله زاده

دکترای فلسفه تعلیم و تربیت، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

عطیه فیروزمند

دکترای فلسفه تعلیم و تربیت، تسهیلگر فلسفه آموزی کودکان



## سپاسگزاری

از نویسندگان مقاله‌ها که آثار انتخاب‌شده و دیگر آثار خود را در اختیار من گذاشتند سپاسگزارم. از مترجمان این مجموعه نیز که پیشنهاد برگردان این آثار را به فارسی مشتاقانه پذیرفتند تشکر می‌کنم. از لاله آتشی سپاسگزارم که دعوت مرا برای مشارکت در دبیری مجموعه پذیرفت و تا پایان کار مرا همراهی کرد. مریم سجادی‌نژاد تسهیلگر فلسفه با کودکان متن کامل کتاب را به‌دقت خوانده و دبیران مجموعه را از نظرهای ویرایشی خود بهره‌مند ساخته است. او همچنین تنظیم واژه‌نامه، نمایه موضوعی و لاتین‌نوشت نام‌های خاص را بر عهده داشته است. همچنین از او و مترجمان این اثر که مقدمه این کتاب را خواندند و مرا از نظرهای خود بهره‌مند ساختند سپاسگزارم.

مدیریت انتشارات کرگدن لطف کردند که در شرایطی چنین دشوار از انتشار اثر حاضر استقبال کردند. قدردان لطف ایشان و زحمتهای هنرمندان و کارکنان انتشارات در آماده‌سازی، چاپ و انتشار این اثر هستم.

مرتضی خسرونژاد

مرداد هزار و چهارصد و یک





## پاسخ‌ها را باد می‌برد مرتضی خسرونژاد

هم‌اکنون حدود ۵۰ سال از تولد جنبش فلسفه برای کودکان در جهان و حدود ۳۰ سال از ورود آن به ایران می‌گذرد. پاره‌ای اختلاف‌نظرها در جنبش در سطح جهانی تقریباً از همان آغاز جلوه‌ای آشکار داشته است. برای نمونه گرت بی. متیوز که او را بنیان‌گذار فلسفه کودکی می‌دانند با به‌کارگیری کتاب‌های تصویری در حلقه کاندوکا و فلسفی از متیو لیپمن بنیان‌گذار جنبش فاصله‌ای چشم‌گیر گرفت. لیپمن با به‌کارگیری تصویر در کتاب‌های کودکان مخالف بود و آموزش فلسفه را از طریق رمان‌هایی که خود می‌نوشت و آنها را ژانری تازه می‌انگاشت امکان‌پذیر می‌دانست.<sup>[۱]</sup> هرچند انتقادهایی از این نوع کمابیش در میان بسیاری از نظرپردازان و عمل‌پردازان فبک در جریان بوده است، اما به گمان من متفکری که با نقدی بسیار بنیادین و نیز مستمر رویکرد لیپمن را به چالش کشید و در ادامه پژوهش‌های خود توفیق یافت که رویکردی ویژه خویش را، که به‌تمامی متفاوت با رویکرد لیپمن بود، بپرورد کارین موریس، متفکر هلندی، است.<sup>[۲]</sup> هرچند او در سال ۱۹۹۷ در رساله دکتری خویش عنوان «فلسفه با کودکان» را به‌جای «فلسفه برای کودکان» به کار برده است، اما قدیم‌ترین مکتوبی که من اینک در دسترس دارم مقاله‌ای از کلاید اِونز با عنوان «فلسفه با کودکان: برخی تجارت و برخی تأملات» است که در سال ۱۹۷۶ منتشر شده است.<sup>[۳]</sup> نویسنده یادشده در این مقاله

گزارشی از جلسات کار خود با کودکان ارائه می‌دهد که طی آن پس از نمایش فیلم‌هایی که در آنها قهرمان کودک در معرض تنگناها (دوراهی‌ها)ی اخلاقی قرار گرفته است، این پرسش را به بحث می‌گذارد که اگر شما به جای کودک فیلم بودید چه می‌کردید و کدام گزینه را برمی‌گزیدید.

هرچند روشن است که روش اونز با لیپمن تفاوت آشکار دارد، اما او در این مقاله هیچ توضیحی درباره علت جایگزین کردن «فلسفه برای کودکان» با «فلسفه با کودکان» نمی‌دهد و آن‌گونه که به نظر می‌رسد پس از این مقاله نیز پرداختن به این موضوع را دنبال نکرده است. این تنها مورس است که حدود ۲۰ سال پس از اونز این عنوان را بنا بر توصیه لیپمن به کار می‌گیرد، به استفاده پیوسته از آن می‌پردازد و پس از آن نیز به همراهی جوئنا هینز به تحقیقات خود زیر همین عنوان ادامه می‌دهد و در این فرایند رویکرد خود را هربار ویراسته‌تر به پیش می‌برد. به جز او متفکرانی دیگر نیز گام به گام با فبک فاصله گرفته و به رویکرد فباک، البته با حفظ فردیت خویش، باروری بیشتری بخشیده‌اند. مجموعه حاضر با هدف آشنا ساختن پژوهشگران، دانش‌جویان و تسهیلگران فارسی‌زبان آموزش فلسفه به کودکان با رویکرد فباک فراهم آمده است. مقاله‌های این مجموعه برخی فرازهای مهم در تحول پیش‌گفته را آشکار می‌سازند. برجستگی بحث‌های مطرح شده در این مقاله‌ها این است که مؤلفان پس از نقد ژرف فبک (رویکرد لیپمن) خود به ارائه راهکارها و پیشنهادها نظری و عملی مشخصی پرداخته‌اند که ضمن اینکه نشانگر سبک ویژه آنان است، به بارور شدن آنچه فباک نامیده می‌شود نیز انجامیده است.

درحالی‌که تولد فباک (اگر مبنا را پژوهش‌های مورس بگیریم) تقریباً هم‌زمان با ورود فبک به ایران رخ داده، اما در طول این سی سال تنها یک متن تألیفی به فارسی منتشر شده که به نقد فبک و تا حدودی معرفی فباک پرداخته است. خسرو باقری در کتاب فبک در ترازو، نگاهی انتقادی از منظر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی که در سال ۱۳۹۴ منتشر شده است ضمن ارائه برخی انتقادهای مطرح شده به فبک و ارائه توضیحی مختصر درباره فباک، نقطه‌نظرهای خود درباره آموزش فلسفه به کودکان را نیز مطرح کرده است.<sup>[۴]</sup> به جز این، هیچ سخن دیگری در نقد فبک یا معرفی فباک از سوی دست‌اندرکاران فبک در سطح ملی به میان نیامده است.

اندک‌شمار اشاره‌هایی نیز که یافت می‌شود تنها در حد نام بردن از فباک، و آن هم به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از فبک است.<sup>[۵]</sup> با جست‌وجوی عبارت «فلسفه با کودکان» در سایت‌هایی که به نام فبک شناخته شده‌اند، هیچ اشاره‌ای به فباک به دست نمی‌آوریم و با ادامه‌همین جست‌وجو در سایت مجلهٔ تفکر و کودک نیز که تنها مجلهٔ علمی در این زمینه در ایران است به نتیجه‌ای همانند می‌رسیم. به‌جز این، با بررسی چکیدهٔ مقاله‌های ۵ دورهٔ اخیر این مجله، یعنی بررسی چکیدهٔ بیش از ۱۰۰ مقاله، نه‌تنها نامی از هیچ‌یک از منتقدان رویکرد لیپمن نمی‌یابیم، بلکه در تنها ۴ مقاله‌ای نیز که کمابیش در تلاش برای ارائهٔ رویکردی متفاوت به آموزش فلسفه به کودکان‌اند هیچ اشاره‌ای به پیشینهٔ نقدهای موجود به رویکرد مسلط به چشم نمی‌خورد. فراتر از این، آن‌گونه که از اظهارات برخی آغازگران فبک در ایران برمی‌آید، آنها نه‌تنها اصول و مبانی فبک را، آن‌گونه که لیپمن بنیاد گذاشته، همچنان پابرجا می‌انگارند، بلکه هرگونه اظهار متفاوت با آن یا نقد آن را کجروی دانسته و با استناد به ملاک‌های برخاسته از رویکرد لیپمن به نقد هرگونه اظهارنظری در این زمینه می‌پردازند. این امر به نظر من نشانهٔ حضور گونه‌ای بنیادگرایی یا به تعبیر مون رالینز گرگوری، جوئنا هینز و کارین موریس نمود «ماهیت‌گرایی» در ترویج فبک است.<sup>[۶]</sup> نام‌برندگان در مقدمهٔ کتاب راهنمای جهانی فلسفه برای کودکان انتشارات راتلج هنگام پرداختن به اهمیت اثری که دبیری آن را بر عهده دارند می‌نویسند:

دلیل مهم دیگر انتشار این مجموعه، بررسی مشکل ارائهٔ نادرست فبک است. گاهی دسترسی به تنوع و غنای این رشته برای دانشجویان و دانش‌پژوهان دشوار بوده است [...] دهه‌ها نظریه و عمل فبک در سراسر جهان می‌تواند برای تازه‌کاران چالش‌برانگیز باشد. مشخص کردن فبک همچون جنبشی ماهیت‌گرایانه و واحد، یا حتی به‌عنوان برنامه‌ای یگانه، گمراه‌کننده بوده است. این دیدگاه واحد از فبک، چه در داخل و چه خارج از جنبش، در کار آنان که به نظر می‌رسد دامنه و عمق دانش در این زمینه را تشخیص نمی‌دهند، مشهود است. برای نمونه، شمار اندکی از منتقدان به‌درستی با کار لیپمن و دیگران، یا با فلسفهٔ آموزشی زیربنای آن، درگیر می‌شوند. برخی کل پروژهٔ فبک را بر اساس آنچه در شماری

از کلاس‌های درس یا آنچه از وب‌سایت‌ها برمی‌آید داوری کرده‌اند. تعریف‌های ماهیت‌گرایانه از فبک نمی‌توانند تنوع غنی این جنبش را که دربردارندهٔ تعارض‌های نظری اصیل و واقعی است، در نظر بگیرند و حق مطلب را ادا کنند. فرصت‌ها برای دانش، درک و تأثیر هر دم تازه بر آموزش گاهی از دست رفته است. (xxiv)

به این ترتیب، به نظر می‌رسد با توجه به اقبال چشم‌گیر جوانان به تسهیلگری در فبک و با توجه به کارگاه‌های گوناگونی که با هدف تربیت تسهیلگر، البته بیشتر با رویکرد لیپمن، برگزار می‌شود و نیز با توجه به تصویب دورهٔ کارشناسی ارشد آموزش فلسفه به کودکان و راه‌اندازی این دوره در برخی دانشگاه‌های کشور ضرورت دارد که جوانان مشتاق به ورود به این قلمرو هرچه بیشتر با بحث‌های مطرح‌شده از سوی منتقدان فبک آشنا شوند و مبنای نظری و عملی فلسفه با کودکان (فباک) را دریابند. کتاب حاضر دربرگیرندهٔ ۱۰ نوشتار به قلم برجسته‌ترین متفکران کار فلسفی با کودک است که در دو دههٔ اخیر منتشر شده‌اند و به گمان من توانسته‌اند با بحثی تأثیرگذار و ژرف علت فاصله گرفتن خود از فبک را مطرح سازند و افزون بر این، در بنیان گذاشتن و ارتقای نظری و عملی آنچه موریس «فلسفه با کودکان» نامید سهمی چشم‌گیر بر عهده گیرند.

در نخستین فصل کتاب حاضر نانسلی فانسلیخیم زیر عنوان «فلسفه برای کودکان به عنوان ورزش اندیشه» در معنای آموزش برای مردم‌سالاری و اندیشیدن، آن‌گونه که در جنبش فبک فهم می‌شود، تردید می‌کند. او معتقد است فعالیت‌های تفکر و دیالوگ نمی‌توانند مبنایی برای مردم‌سالاری و آزادی باشند، چون از همان آغاز به وسیلهٔ نوعی ویژه از تفکر و کنش، و در انطباق با نقش‌هایی که انتظار می‌رود آدمیان در جایگاه شهروند بازی کنند، محدود شده‌اند. به این ترتیب، نقش‌هایی همچون خودگردان بودن، منتقد بودن، تعاملی بودن و آفرینندگی در مرکز قرار گرفته‌اند و دیگر امکان‌ها حذف شده‌اند. وی سپس بر بستر اندیشه‌های هانا آرنست می‌کوشد توجه خواننده را به ماهیت ابزارگرایانهٔ فبک و فقدان اصلتی که این ابزارگرایی به بار می‌آورد جلب کند.

در نهایت، پیشنهاد وی کنار گذاشتن فبک به‌طور کلی نیست، بلکه می‌کوشد به این پرسش پاسخ دهد که آیا نوع دیگری از فلسفه برای کودکان، به‌جز آنچه بنیان‌گذاران آن ارائه داده‌اند، امکان‌پذیر است یا نه.

در فصل دوم «فلسفه برای کودکان و فلسفه با» کودکان پس از متیو لیپمن» فانسلیخیم و دیوید کندی تحولات نظری در جنبش فبک را تا سال ۲۰۱۱ دنبال کرده‌اند. مؤلفان بر آن‌اند که نسل اول فبک بحث‌های خود را در سه خط پیش برده‌اند: خط نخست، فبک را ابزاری برای رشد مهارت‌های تفکر انتقادی می‌داند؛ خط دوم، آن را ابزاری برای پر کردن شکاف میان کودک و بزرگسال می‌انگارد؛ و خط سوم هدف فبک را بازسازی سازوکارهای قدرت و انتقال معناهای شخصی فرض می‌کند. نسل دوم اما تأکید لیپمن بر استدلال تحلیلی به‌عنوان ضامن تحقق تفکر انتقادی را نقد می‌کند. از دید این نسل، فلسفه ابزاری برای ایجاد مهارت‌ها یا دادن پاسخ به پرسش‌ها نیست، بلکه کمک می‌کند بتوانیم پرسش‌های خود را تعیین کنیم و از راه تفکر مستقل و هم‌اندیشی در پی پاسخ‌ها باشیم. نسل دوم باور ندارد که تنها یک شیوه استدلال وجود دارد و روش‌ها و رویکردها را زمینه‌مند می‌داند و بر آن است که تنها مورد توافق‌پذیر این است که فبک در بارهٔ بده‌بستان استدلال‌های عقلانی و ایده‌های فکورانه است. بدین‌گونه، فلسفه «برای» کودکان به فلسفه «با» کودکان تبدیل می‌شود؛ تبدیلی که نشانهٔ تأکید بیشتر این نسل بر دیالوگ است.

بحث‌گرت بییستا، در فصل سوم «فلسفه، در معرض بودگی و کودکان: چگونه در برابر ابزار شدن فلسفه در تعلیم و تربیت ایستادگی کنیم» این است که جذابیت اصلی کاربرد آموزشی فلسفه [فبک] در این ادعا نهفته است که این رویکرد می‌تواند به نسل نو کمک کند مهارت‌های تفکر انتقادی، تأملی و منطقی را در خود پرورش دهد. همچنین درگیر شدن با فلسفه می‌تواند رشد حساسیت اخلاقی و نیز مهارت‌های لازم برای یک جامعهٔ مردم‌سالار را محقق کند. از این رو، بییستا هم‌جهت با فانسلیخیم این نوع نگاه به فلسفه را ابزارگرایانه می‌داند. وی سپس با انسان‌گرایانه دانستن دیدگاه یادشده که می‌کوشد سوژگی خاصی را بر انسان تحمیل کند، رویکردی پسانسان‌گرایانه را برمی‌گزیند و با بهره‌گیری از مفهوم‌های «کنش»

و «یکتایی» از آرنست و «در معرض بودگی» از امانوئل لویناس دیدگاهی تازه را به بحث‌های موجود در کار فلسفی با کودکان می‌افزاید و نشان می‌دهد که راه‌های متفاوتی برای درآمیختن با فلسفه، به‌طریقی که به حیثیت آن در مقام معرفتی مستقل لطمه‌ای وارد نیاید، وجود دارد.

چهار فصل از مجموعه حاضر به آثار والتر عمر کوهان متفکر آرژانتینی اختصاص یافته است. در نخستین این فصل‌ها، فصل چهارم کتاب حاضر، کوهان زیر عنوان «برخی ملاحظات زیست‌نامه‌ای و پرسش‌هایی فلسفی در قلمرو فلسفه برای کودکان» مفهوم‌پردازی سنتی فبک از فلسفه و نیز ارتباط تربیتی میان فلسفه و کودک را که فبک ترویج می‌کند، از منظر فلسفی به پرسش می‌گیرد. مسئله اصلی که در این فصل بررسی می‌شود پاسخ فبک به این پرسش است که «فلسفه چیست؟» و نقش پرسشگری در کندوکاو فلسفی و معنای سیاسی‌ای که فبک برای فلسفه قائل می‌شود کدام است. از دید او، اگر فلسفه را نوعی اندیشه بدانیم که در ایجاد تغییر توانا است، نباید مقصدهای ثابت و مشخصی همچون مردم‌سالاری داشته باشد. اما منظور او از این سخن این نیست که فلسفه نباید تعهد سیاسی داشته باشند. او بر آن است که قابلیت سیاسی فلسفه در خود فلسفه است، یعنی در شکلی از پرسشگری که توان ایجاد حیرت، تردید و تغییر را دارا است.

کوهان در نوشته دوم خود در فصل ۵ زیر عنوان «تأملی بر مفهوم کودکی در جشن سی‌سالگی فلسفه برای کودکان» شیوه‌های پاسخ‌دهی فبک را به پرسش «کودکی چیست؟» بررسی می‌کند. او با مبنا قرار دادن مفهوم زمان در تبیین کودکی و تحلیل مفاهیم یونانی زمان (کرونوس، کایروس، آیون) به این نتیجه می‌رسد که زمان تقویمی یا کرونوسی به پذیرفتن مفهوم رشد در تبیین کودکی می‌انجامد و باور به رشد متکی بر گونه‌ای انسان‌شناسی منفی است که کودکی را دوران نقص و فقدان و بزرگسالی را دوران کمال می‌پندارد. اما کودکی دیگر (مبتنی بر آیون) شاخصه‌اش تجربه و خلاقیت و تحول است و بر پایه انسان‌شناسی مثبت شکل گرفته است. او در پایان، مفهومی از کودکی را که زیربنای فعالیت‌های فبک قرار گرفته، مفهومی مبتنی بر زمان تقویمی و با محوریت رشد می‌داند و بر آن است

که بدین ترتیب و به ناچار فبک در اهداف آموزشی خود تاکنون بسیار سنتی عمل کرده است.

«سیاست شکل‌دهی: نقدی بر فلسفه برای کودکان» عنوان بحث سوم کوهان در فصل ۶ است. وی در ادامه دو بحث پیشین از منظری که بیشتر تربیتی و سیاسی است به نقد فبک می‌پردازد و ارتباط بین چهار مفهوم اساسی، یعنی تعلیم و تربیت، فلسفه، کودکی و اندیشیدن، را بررسی می‌کند. وی این فرض را که می‌گوید آموزش و پرورش فلسفی باید به شکل‌گیری انسان ایدئال و جامعه ایدئال بینجامد به چالش می‌کشد و نشان می‌دهد که آموزش و پرورش غربی، از افلاطون به بعد، تقریباً همیشه با اندیشه شکل‌دهی آمیخته بوده است. او سپس بحث می‌کند که فلسفه چگونه درگیر آموزش و پرورش شکل‌دهنده بوده است و پس از آن، به بررسی مفهومی از کودکی می‌پردازد که نگره‌دارنده پداگوژی‌ها و فلسفه‌های شکل‌دهنده است. کوهان پس از واکاوی بحث ژیل دلوز درباره «تصویر جزئی و اخلاق‌زده از اندیشه» پیشنهادهایی برای رها کردن فلسفه از وسوسه شکل دادن مطرح می‌کند و بدین ترتیب می‌کوشد گامی روشن در جهت نوسازی کار فلسفی با کودکان بردارد.

جوننا هینز در فصل ۷ با عنوان «برابر و توانمند در سخن گفتن: کندوکاو فلسفی با کودکان خردسال» به برخی فرازهای عمده در رشد نظر و عمل فلسفه برای کودکان می‌پردازد و نقش این فرازها در تغییر نگاه به دوران کودکی و فلسفه را یادآور می‌شود. او برای کندوکاو با کودکان، تصویر ارائه‌شده رانسپیر از کودک خردسال را برمی‌گزیند و کودک و بزرگسال را از نظر هوش و خرد برابر می‌بیند و کودک را از همان آغاز دارای توانایی سخن‌گویی و بنابراین توانا در درگیر شدن در قدرت می‌داند و به این نتیجه می‌رسد که باید بر مبنای فرض برابری هوش‌ها و توانایی در سخن گفتن وارد عمل شویم. هینز، در پایان، با استناد به تسهیلگری‌های سارا استنلی از عمل‌پردازان برجسته کار فلسفی با کودکان تلاش می‌کند رویکردهایی بازی‌گوشانه و خیال‌انگیز در کار فلسفی را ارائه کند که به گفته وی حاصل کاربرد کتاب‌های تصویری و بازی‌های کاوش‌گرایانه داستان‌محورند. کارین موریس در فصل ۸ «کودک از دید پسانسان‌گرایی»، نخست دیدگاه‌های

رشدگرایی، حقوق بشری و برساخت‌گرایی اجتماعی دربارهٔ کودکی را نقد می‌کند. او کودک از دید رشدگرایی را با *i* (من کوچک) نشان می‌دهد، زیرا بزرگسال، در این دیدگاه، در مقام من بزرگ (ii) و موجودی کامل است و کودک به‌عنوان موجودی ناقص باید در جهت بزرگسال شدن رشد کند. او کودک از دید حقوق بشری را با من بزرگ (ii) نشان می‌دهد، زیرا مطابق با پیمان‌نامهٔ حقوق کودک نوع حقوق کودک همان حقوق بزرگسال است، اما از آنجاکه از دید این پیمان‌نامه هدف نهایی کودکی، شکل‌گیری شهروندی بزرگسال است آن را نمی‌پذیرد. موریس رویکرد برساخت‌گرایی (کودک به‌عنوان *ii*) را که کودک را موجودی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی می‌داند گامی به پیش ارزیابی می‌کند، اما بر آن است که این رویکرد همچنان نگاهی دوقطبی به کودکی و بزرگسالی دارد و عاملیت دنیای مادی را نیز به رسمیت نمی‌شناسد. وی در پایان، به تبیین رویکرد پسانسان‌گرایانه (کودک به‌عنوان *iii*، به‌عنوان بدن، ذهن، ماده) می‌پردازد که طبق آن «کودک» هم گفتمانی و هم مادی است.

در فصل ۹ و در ادامهٔ بحث فصل پیش، جوئنا هینز و کارین موریس با رویکردی پسانسان‌گرا به کودکی می‌نگرند؛ ایشان با برگزیدن عنوان «کنار گذاشتن سن از بازی: فلسفه‌ورزی جان‌دارانگارانۀ کودکان از راه کتاب تصویری» برای نوشتار خود، بر فلسفه‌ورزی جاندارانگارانۀ تمرکز می‌کنند. توضیح مؤلفان برای چنین بازگشتی وجود گونه‌ای بی‌دادگری است که به باور آنان در حق آگاهی‌های کودکان روا داشته شده است. این بی‌دادگری معرفتی به ندیدن هستی کودکان انجامیده و از این رو به بی‌دادگری هستی-معرفت‌شناسیک بدل گشته است. مؤلفان با حذف این بی‌دادگری و با حذف سن به‌عنوان عاملی دوقطبی‌ساز، توانایی‌های کودکان و بزرگسالان را برابر می‌انگارند و با بهره‌بردن از کتاب‌های تصویری به‌عنوان متن‌هایی رها از سن و برخوردار از ویژگی‌هایی همچون بازی‌گوشی و سرپیچی، که از ویژگی‌های فلسفه نیز است، وارد عمل فلسفی با کودکان می‌شوند. ایشان در پایان با ارائهٔ یافته‌های خود از کاری تجربی با کودکان می‌کوشند به رویکردی که پرورده‌اند جنبهٔ عینی بخشند.

و سرانجام کوهان به همراهی مگدا کاستا کاروالو در فصل پایانی کتاب،